مبانی نقد قرآن محور روایات تفسیری؛ بر پایه سیره معصومین علیهم‌السلام
در عرضه روایات ـ محمدکاظم رحمان ستایش، احمد جمالی گندمانی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال پانزدهم، شماره ۶۰ «ویژه قرآن‌بسندگی»، پاییز ۱۳۹۷، ص ۱۰-۳۲

مبانی نقد قرآن‌محور روایات تفسیری؛ بر پایه سیره معصومین علیهم‌السلام در عرضه روایات

محمد کاظم رحمان ستایش*
احمد جمالی گندمانی**

چکیده: نقد قرآن‌محور احادیث و بالاخص روایات تفسیری در مقام چیستی و چگونگی و در مقام کاربست و تطبیق ضرورت دارد. پژوهش حاضر، با هدف پاسخ به این موضوع، از حیث ارائه مبانی عرضه حدیث بر قرآن بر پایه سیره معصوم علیه‌السلام و تطبیق این مبانی در عرضه روایات تفسیری، انجام شده است.

این تحقیق با روش تحلیل متن و از طریق مطالعه کتابخانه‌ای، به دنبال پاسخ به سؤالات اصلی این معیار یعنی امکان عرضه روایات تفسیری بر قرآن، شمولیت عرضه روایات تفسیری، مدلول قرآن در عرضه این روایات، عرضه روایات تأویلی، به یافته‌هایی مبنی بر «پیش‌شرط عرضه: عدم احراز صدور و شبهه‌ناک بودن روایت»، «تأکید بر تعمیم مدلول قرآن به هنگام عرضه بر نص، ظاهر، اصول و گفتمان قرآنی» و «ضرورت تبیین معیار عرضه حدیث بر پایه نگاه حدیثی و سیره معصومین علیهم‌السلام و پرهیز از محوریت دیدگاه‌های شخصی و مبانی سایر علوم در نتیجه‌گیری از مراد از عرضه و چگونگی آن» منتج شده است.

کلیدواژه‌ها: مبانی عرضه حدیث؛ نقد قرآن‌محور؛ عرضه روایات تفسیری بر قرآن.

*. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم kr.setayesh@gmail.com
**. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث قم ahmadjamali@farhangoelm.ir

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.2.3]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.2.3]

طرح مسئله

روایات تفسیری همچون سایر احادیث، با وجود اینکه منبع شناخت‌های استوار و وسیلهٔ تعمیق باورهای صحیح و ابزار تشخیص سره از ناسره در دین است، ولی از آسیب جعل، خطا، سهو و اشتباه برخی از روات در سماع، فهم و یا نقل حدیث مصون نمانده‌اند. شاید یکی از عوامل بروز این گونه علل در احادیث، سودمندی و اهمیت آنها باشد. همواره پیرامون حجیت این روایات، بحث و اختلاف نظر فراوانی میان دانشمندان مسلمان بوده که عده‌ای قائل به حجیت و برخی بر عدم حجیت این روایات نظر دارند.

نقد محتوایی حدیث با محوریت عرضه بر قرآن و سنت، در واقع علم به صدور موافق و عدم صدور مخالف از معصوم علیه‌السلام است. در حالیکه قبول یا ردّ حدیث در نقد سندی، بر پایه غلبه ظن به صدور یا عدم صدور روایت است. البته در عمل، نقد قرآن‌محور حدیث به دلایلی چون تبیین ناقص چگونگی و روش‌شناسی آن، «اصالت نقد اسنادی و فرعیت نقد محتوایی، وجود تشابه در قرآن، چند لایه بودن زبان قرآن، وجود تشابه در حدیث، جایگاه سنت نسبت به قرآن، مدلول معیار قرآن، زبان چند لایه احادیث و قداست جوامع حدیثی» (برگرفته از مقاله: مسعودی، ۱۳۷۶: شماره ۶ و ۱۳۷۷) چه در مقام کاربست و چه تبیینِ چیستی، چرایی و چگونگی، مبانی و روش آن مورد استقبال قرار نگرفته و تلاش در خور و جامعی صورت نپذیرفته است. این تحقیق هم از حیث ارائه مبانی عرضه و هم از نظر کاربست عملی و تطبیق مبانی به دست آمده بر روی روایات تفسیری، بدیع است و نگرشی نو دارد.

در حوزه حدیث‌پژوهی شیعه، می‌توان علامه طباطبایی را سرآمد دانشمندان متأخر نامید که پیرامون روایات تفسیری با محوریت روایات تفسیری شیعه به نقد و اعتبارسنجی آنها پرداخته است. سایر مطالعات صورت‌گرفته در این‌باره، عمدتاً

به چیستی و اعتبارسنجی روایات تفسیری پرداخته‌اند.[1]

مهمترین آثار پیرامون چیستی و چگونگی عرضه حدیث عبارتند از:

۱. *کتاب عرضه حدیث بر قرآن*؛ نوشته مهدی احمدی نورآبادی؛ عمده مباحث ارائه شده در این اثر به بررسی و تحلیل کلیات، اصول و ضوابط عرضه پرداخته و بر پایه نظرات شخصی نویسنده و مبانی اصولی استوار است و به سیره ائمه علیهم‌السلام در نقد قرآن محور حدیث امعان نظر نشده است. (احمدی نور آبادی، ۱۳۹۳: ص ۱۵)

۲. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد *چگونگی عرضه روایات بر قرآن کریم از دیدگاه اهل بیت*؛ نوشته حامد جوکار؛ این اثر با هدف ارائه ضوابط عرضه از دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام نوشته شده، و از حیث پرداخت به موضوع، قابل توجه است. هر چند عملاً به خاطر ابهامات فراونِ موضوع از یک سو و بدیع بودن پژوهش، فرصت و مجال بیشتری برای تفحص کامل و تحلیل روایات مربوطه و استخراج روش ائمه علیهم‌السلام در قالب سازواره‌ای منسجم را نداشته است.

۳. کتاب *اثبات صدور حدیث، بین منهجی نقد السند و نقد المتن*؛ علی حسن مطر الهاشمی؛ این کتاب علی‌رغم مطالب مفید در زمینه تبیین شرایط و ضوابط عرضه، فاقد جستجوی کافی و دقیق همه روایات عرض و تحلیل یکایک مفاهیم مطرح شده در این روایات است. ضمن اینکه این تحقیق، متکفل احصا و تحلیل نمونه‌های عرضه بر قرآن توسط معصومین علیهم‌السلام نیز نبوده و بسیاری از تحلیل‌ها و

۱. مقاله «روایات تفسیری شیعه، گونه شناسی و حجیت»؛ مهدی مهریزی؛ مقاله «اعتبارسنجی روایات تفسیری علی بن ابراهیم در تفسیر قمی»؛ فتاحی نژاد، فتحیه؛ مقاله «جستاری در معیارهای اعتبارسنجی روایات تفسیری شیعه»؛ روح الله شهیدی و سیده راضیه توسل؛ مقاله «اعتبارسنجی منابع تفسیر روایی شیعه»؛ عبدالهادی مسعودی؛ پایان‌نامه «گونه‌پژوهی تحلیلی روایات تفسیری اصول الکافی کلینی(ره)»؛ مهدی خوشدونی؛ پایان‌نامه «گونه‌شناسی و اعتبارسنجی روایات تفسیری محمد بن سنان»؛ مریم بصیرتی برزکی؛ مقاله «مفسران شیعه و نقد روایات تفسیری با تأکید بر المیزان»؛ داود معماری.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.2.3]

نتیجه‌گیری‌های صورت‌گرفته بر مبنای دیدگاه‌های نگارنده آن بوده است. (ر.ک: هاشمی، ۱۴۳۰)

با این وجود، تا کنون روایات تفسیری، با سنجه عرضه و بر پایه ضوابط مستخرج از سنت، بررسی و تحلیل نشده‌اند و عمده مطالعات و آثار در نقد این روایت از جنس نقد سندی بوده است. اندک آثاری هم که به چگونگی نقد محتوایی این روایات پرداخته‌اند، اولاً نقش قرآن کم‌رنگ دیده شده، ثانیاً تلاش‌هایی هم که به نقد قرآن‌محور این دسته از روایات پرداخته‌اند، یا بر پایه مبانی و قواعد مستخرج از سیره معصومین علیهم‌السلام نبوده یا بسیار اندک از این منظر به موضوع نگریسته شده است.

این تحقیق در نظر دارد مهمترین مبانی چگونگی عرضه روایات تفسیری بر قرآن کریم را بر اساس سیره معصومین علیهم‌السلام در عرضه روایات را استخراج و ارائه نماید.

روش پژوهش حاضر به صورت تحلیل متن است که از طریق مطالعه کتابخانه‌ای به بررسی مسأله می‌پردازد. پس از جستجوی گسترده و احصای کامل متن روایات عرضه حدیث و نمونه‌های یافت شده از عرضه روایات بر قرآن توسط معصومین علیهم‌السلام، گزاره‌های تحلیلی از این روایات در مورد مبانی عرضه، استخراج و پس از قرار گرفتن در قالب سازواره‌ای هماهنگ، مبانی عرضه روایات تفسیری بر قرآن کریم تحلیل و ارائه شده است و متناسب با هر بحث، نمونه روایات تفسیری عرضه‌شده بر قرآن نیز ذکر شده است.[1]

۱. مبانی مستخرج از متن روایات عرضه بر قرآن کریم

در این تحقیق مراد از روایات تفسیری، روایاتی است که بخشی از آیه، در آن،

۱. برای مشاهده نتایج کامل ر.ک: پایان‌نامه دکتری روش شناسی و ضوابط کاربست عرضه حدیث بر قرآن بر پایه سیره معصومین علیهم‌السلام.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.2.3]

مذکور باشد و یا روایت، ناظر به آیه‌ای باشد که خود آیه، در حدیث، مذکور نیست، اما حدیث، به بیان مراد خداوند در آن آیه پرداخته و یا زمینه فهم آن را فراهم ساخته است. (مهریزی، ۱۳۸۹ ش، ش ۵۵، ص ۴-۳۴)

این روایات مشتمل بر اقسام گوناگونی می‌شوند که مهمترین آنها عبارتند از: روایات سبب نزول، تبیین مفردات قرآن، تشریح مفهوم، بیان مصداق، بیان لایه‌های معنایی، بیان اختلاف قرائت و ... (همان)

روایات تفسیری، هم از نظر گستردگی (تا ۱۵ هزار حدیث؛ همان) و اهمیت آنها در فهم و تفسیر قرآن کریم و هم از جهت ضعف در فهم و یا نقل و حجیت[1] یا عدم حجیت آنها، همواره از مباحث ثابت حدیثی و تفسیری بوده، شایسته بررسی و اعتبارسنجی دقیق و عمیق هستند.

این نوشتار به استخراج مبانی عرضه روایات تفسیری[2] بر قرآن کریم، بر اساس مبانی عرضه حدیثِ مستخرج از سیره معصومین علیهم‌السلام پرداخته است. در نتیجهٔ استخراج و تحلیل گزاره‌های مستفاد از متن روایات عرض و نمونه‌های عرضه روایات بر قرآن کریم توسط ائمه علیهم‌السلام[3]، مهمترین مبانی فرایند عملی عرضه حدیث از این قرار است:

۱. دلیل اصلی موافقان حجیت خبر واحد، سیره عقلا عنوان شده است. (از جمله موافقان حجیت روایات تفسیری عبارتند از: آیت الله خویی (ر.ک: خویی، ۱٤۱۸ ق.: ٤۲۲-٤۲۳)، امام خمینی (ره) (ر.ک؛ خمینی، ۱٤۱۵ ق.، ۲:۱۹٤)، آیت الله معرفت (ر.ک؛ معرفت، ۱۳۸۷، ۲: ۲۳) از مخالفان حجیت این روایات می‌توان به این افراد شاره نمود: سید مرتضی (ر.ک؛ علم الهدی، ۱٤۰۵ ق، ۱:۲۲)، شیخ مفید (ر.ک؛ مفید، ۱٤۱۳ ق.: ۱۸)، شیخ طوسی (ر.ک؛ طوسی، ۱٤۰۷ ق.، ۱:۷) و علامه طباطبایی (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۸۸:۸۵)

۲. روایات تفسیریِ انتخاب شده در این تحقیق، عمدتاً از منابع متقدم شیعه و اهل سنت مانند کتب اربعه و صحاح سته انتخاب شده‌اند. هر چند برخی از روایات نیز با توجه به شبهه‌ناک و شک برانگیزبودنشان از سایر منابع حدیثی یا تفسیری انتخاب شده‌اند.

۳. برای مشاهده نمونه‌های بیشتر عرضه روایات بر قرآن توسط ائمه بنگرید به فصل دوم و سوم پایان‌نامه «روش‌شناسی و ضوابط کاربست عملی فرایند عرضه حدیث بر قرآن».

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.2.3]

۱-۱. امکان عرضه روایات تفسیری

نخستین سؤال: آیا می‌توان از معیار عرضه روایات، برای عرضه روایات تفسیری بر قرآن هم استفاده نمود؟ یا اینکه این عمل در واقع، متزلزل نمودن و زیر سؤال بردن اصل همه روایات تفسیری است؟ چون اگر قرار است از روایات برای تبیین صحیح قرآن استفاده شود، پس چگونه باز این روایات تفسیری را برای اعتبارسنجی باید بر قرآن عرضه نمود؟ و این در واقع یک دور باطل است.

پاسخ اینکه ضرورت عرضه روایات تفسیری بر قرآن، منافاتی با کارکرد این روایات در تبیین مراد آیات یا کمک در فهم صحیح قرآن ندارد. به عبارتی پیش‌شرط استفاده از این روایات برای تفسیر، اطمینان از صحت آنهاست. معیار عرضه، معیاری است برای عرضه روایات شبهه‌ناک، و ضرورتی بر عرضه همه روایات نیست.

سؤال دیگر: چگونه ممکن است روایتی را که خود برای تبیین قرآن آمده با استفاده از خود قرآن اعتبارسنجی کنیم؟ مثلاً اگر یک روایت تفسیری، مصداق آیه‌ای را فرد مشخصی ذکر کرده باشد، چگونه می‌توان صحت این روایات را با استفاده از قرآن سنجید؟

پاسخ اینکه منافاتی در اینکه روایتی در تبیین قرآن کریم وارد شده با اینکه بتوان صحت آن را از قرآن به دست آورد، وجود ندارد. چه اینکه می‌توان صحت بسیاری از این روایات تفسیریِ ذکر مصادیق را با عرضه بر ظاهر یا اصول و گفتمان قرآنی به دست آورد. به عنوان نمونه، برخی روایات تفسیری، حکایت از شأن نزول آیات نخستین سوره عبس درباره پیامبر صلی الله علیه و آله دارند. (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج۳۰، ص۳۳؛ حویزی، ۱۴۱۵ ق، ۵: ۵۹، ح ۴) که به دلیل مخالفت با ظاهر آیاتی از قرآن کریم که رسول الله صلی الله علیه و آله را به خلق عظیم متصف نموده و امثال آن، مطروح است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.2.3]

بعلاوه در متن خود روایات عرض، تصریح شده که ممکن است موضوع روایتی در قرآن موجود نباشد «فان لم‌تجدوهما فی کتاب‌الله.» (حر عاملی، ۱۴۱۴ ق، ۲۷: ۱۱۸، ح ۲۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۲: ۲۳۵) در این صورت توصیه معصوم علیه‌السلام، عرضه به سنت یا توقف و سکوت در پذیرش روایت است. لذا ممکن است برای تعدادی از روایات تفسیری، به دلیل موجود نبودن موضوع آن یا یافت نشدن آن، عملاً زمینه‌ای برای عرضه آنها بر قرآن کریم وجود نداشته باشد.

۱-۲. شمولیت عرضه روایات تفسیری بر قرآن کریم

آیا هر روایتی اعم از متعارض یا غیرمتعارض یا شک‌برانگیز یا غیرشک‌برانگیز را باید بر قرآن عرضه نمود یا اینکه عرضه اختصاص به روایات و شرایط خاص دارد؟ آیا در سیره معصومین علیهم‌السلام و اصحاب ایشان چنین سنتی رواج داشته که هر روایتی را به محض شنیدن یا نقل، بر قرآن عرضه نمایند؟ یا اینکه این معیار، سنجه‌ای است برای اعتبارسنجی آن دسته از روایاتی که پیرامون صحت یا معنای آن، شک و شبهه وجود دارد؟

پس از بررسی و تحلیل متن روایات عرض و شواهد روایی عرضه بر قرآن توسط معصومین علیهم‌السلام این نتیجه حاصل آمد که:

از متن احادیث عرض برمی‌آید که عرضه در دو حالت کلّیِ عرضه متعارضین و عرضه مطلق، انجام می‌شود. امّا در عرضه مطلق، آیا بدون مقدمه باید هر روایتی را بر قرآن عرضه کرد؟ یا این امر منوط به شرایط خاص است؟ در نگاه نخست به روایات عرض، این معیار، به عنوان معیار سنجش هر گونه حدیثی، معرفی شده است. ولی با دقت بیشتر در متن روایات عرض و احادیثی چون ثقلین که مبیّن جایگاه مستقل امام در کنار قرآن در مسیر هدایت بشری‌اند، و همچنین احادیثی که

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.2.3]

گویای مقام علمی ائمه‌اند،[1] اینگونه به دست می‌آید که سنت معصومین و اصحاب و حتی پیروان ایشان در ادوار بعد اینگونه نبوده که هر آنچه را که از معصوم بر ایشان روایت می‌شده، بر قرآن عرضه کنند یا شاهد مثالی از قرآن برای آن بیابند. عبارت «الوقوف عند الشبهة» در متن برخی روایات عرض (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ۱: ۸)، حکایت از این دارد که مراد از عرضه، عرضه همهٔ روایات بر قرآن نیست. بلکه این معیار، برای مواضع شبهه‌ناک یا شک‌برانگیز بودن روایات یا رفع تعارض معرفی شده است.

تعداد دیگری از روایات عرض، صراحت دارند که محتوای همه روایات در قرآن وجود ندارد یا همگان توان یافتن همه این موضوعات از قرآن را ندارند. «فان لم تجدوهما فی کتاب‌الله» (حر عاملی، ۱۴۱۴ ق، ۲۷: ۱۱۸، ح ۲۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۲: ۲۳۵) نیز گفته شده که اگر موضوع روایتی در قرآن نباشد آن را بر سنت عرضه می‌کنیم و علم آنچه از روایات را که موضوع آنها در قرآن و سنت نیامده، به معصوم بر می‌گردانیم.

لذا علی رغم اطلاق روایات عرض بر عرضهٔ همه روایات بر قرآن، عرضه روایت شامل همه روایات نمی‌شود، به دلایلی چون تقلیل جایگاه استقلالی سنت و اینکه در سنت چنین فرهنگی رواج نداشته که به محض نقل هر روایتی، آن را بر قرآن عرضه کنند. در نتیجه در مقام عمل نه لزومی بر عرضه همه روایات بر قرآن وجود دارد، نه چنین امری (عرضه همه روایات) توسط دانش غیرمعصوم شدنی است و نه چنین رویکردی در سنت وجود داشته است.

برخی گفته‌اند که روایات موجود در منابع حدیثی در واقع نقلیات بشری‌اند و عرضه همه آنها بر قرآن منافاتی با کاستن جایگاه سنت ندارد. این ادّعا درستی است، ولی مسئله این است که اولاً: آیا در سنت، چنین فرهنگی مبنی بر عرضه

---

۱. به عنوان مثال، «فیهم کرائم القرآن و هم کنوز الرحمان، ان نطقوا صدقوا وان صمتوا لم‌یسبقوا»: نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۱۴۳. انّ الامام اذا شاء ان یعلم علم. کافی، ج ۱. نیز بنگرید به *کافی*، ج ۱، باب ان الراسخین فی العلم هم الائمة علیهم‌السلام.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.2.3]

همه روایات وجود داشته یا خیر؟ که بر اساس مستندات موجود، جواب منفی است. ثانیاً حال که در سنت چنین روالی جریان نداشته یا گزارشی از آن منعکس نشده، آیا در عصر حاضر، ضرورتی بر عرضه همه روایات وجود دارد؟ پاسخ این است که مادامی که صدور روایتی از معصوم احراز شود و یا در معنای روایت شک و شبهه‌ای عارض نشود، مستند به سنت معصومین علیهم‌السلام ضرورتی بر عرضه مطلق روایات نیست.

به عنوان مثال در روایت آمده است: «اگر امام را شناختی هرچه می‌خواهی انجام بده.» امام ضمن تأیید صحت روایت، برداشت اشتباه عده‌ای را که همان اباحه‌گری و هرج و مرج است، به دلیل مخالفت با قرآن، تصحیح می‌کند. (نعمان مغربی، ۱۳۸۳ ق، ۱: ۵۳-۵۴) نیز در منابع شیعی آمده که اباصلت از امام رضا علیه‌السلام درباره حدیثی از امام صادق علیه‌السلام پرسید. از آن گرامی نقل شده که هنگامی که حضرت مهدی (عج) قیام می‌کنند، انتقام خون جدش حسین علیه‌السلام را از نوادگان قاتلان او می‌گیرد. راوی در این مورد از امام رضا علیه‌السلام می‌پرسد که حضرتش صحت روایت را تأیید می‌کند. اباصلت ادامه می‌دهد که معنای آیه «وَ لا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرى» (الانعام: ۱۶۴) چه می‌شود؟ حضرت می‌فرماید: همه سخنان خداوند درست است. منظور حدیث، نوادگانی است که به قتل حسین علیه‌السلام راضی‌اند و رضایت به یک عمل، مانند مشارکت در آن عمل است. (صدوق، ۱۴۰۴ ق، ۱: ۲۷۳)

عرضه این دو روایت بر امام، به دلیل وجود شک در معنای حدیث رخ داده است.

در برخی از پژوهش‌ها[1] دیده می‌شود که یک کتاب یا باب یا گروهی از روایات را از ابتدا تا انتها بر قرآن عرضه نموده و شواهد و مستندات قرآنی در موافقت یا مخالفت با روایت را ذکر می‌کنند، در حالی که روایات عرض، معیاری برای مواضع

۱. به عنوان مثال، مقاله «باب شکر کافی در سنجش با قرآن»؛ خرقانی، حسن؛ خدایی، سید مهدی.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.2.3]

و شرایط خاصی است که در صحت روایت یا روایاتی اشکال، تردید یا شبهه‌ای حاصل شود.

روایات تفسیری از این قاعده مستثنی نیستند. در مورد بخشی از این روایات، مشکل ضعف سند و شبهه جعلی بودن وجود دارد و حتی برخی چون علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۹: ص ۲۱۱-۲۱۲)، قائل به عدم حجیت این روایات شده‌اند، لذا حجم زیادی از این روایات، مشمول معیار عرضه بر قرآن کریم هستند و اعتبارسنجی آنها با قرآن ضروری است.

مضاف بر اینکه به دلیل شیوع دسّ و جعل حدیث و ورود اسرائیلیات در این نوع روایات، به شرط شک‌برانگیز بودن و تردید در صحت آنها، مشمول عرضه بر قرآن کریم می‌شوند.

۱-۳. عرضه روایات تأویلی باطنی بر قرآن کریم

ضرورت عرضه روایات شبهه‌ناک و متعارض، منافاتی با اصل احتمالات تفسیری مختلف و پدیده تاویل ندارد. اینکه معصومین علیهم‌السلام، مکرراً تأکید بر عرضه روایات بر قرآن نموده‌اند و از خود ایشان نیز نمونه‌هایی از عرضه روایات بر قرآن نقل شده، تعارضی با این مطلب ندارد که برخی از روایات منقول در منابع حدیثی، تأویلی باطنی‌اند و خود اهل بیت علیهم‌السلام نیز برخی از آنها را تأویل نموده‌اند.

عده‌ای بر این عقیده‌اند که روایات تأویلی که امکان تطبیق آنها با قرآن وجود ندارد، پذیرفتنی نیستند.[۱]

برخی گفته‌اند: حوزه عرضه حدیث بر قرآن، در حوزه معناشناسی و متن‌گرایی است، و حوزه باطن، خارج از حوزه زبان‌شناختی و معنایابی و نحوی است، لذا سه راه پیش رو داریم: اول اینکه روایت‌های عرضه را محدود به جاهایی ویژه

۱. صدر، سید محمد باقر؛ هاشمی، سید محمود. *بحوث فی علم الاصول*، ج ٤، ص ۲۸۲.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.2.3]

بدانیم، دوم اینکه روایت‌های باطنی را هم به ظهور قرآن عرضه کنیم، که در این صورت، غالب این روایت‌ها را باید مردود دانست. سوم اینکه برای باطن داشتن و قاعده‌مند کردن بطن و عرضه آنها بر قرآن، ملاکی یافت. گفته‌اند روایت‌های عرضه در حوزه بطن و تأویل، کارایی ندارد و تصریح کرده‌اند که نتیجه مطلوبی ندارد.[1]

خاستگاه صدور روایات عرضه و معرفی این معیار توسط پیامبرﷺ و بعد از ایشان بیشتر ائمه‌علیهم‌السلام به دلیل مقابله با جریان انحرافی درون دینی ـ که رگه‌های نخستین آن در زمان حیات پیامبرﷺ ظهور و در دوران ائمه به اوج خود رسید ـ و گسترش جعل و دروغ بستن بر اهل بیت‌علیهم‌السلام بود. از دیگر سو بیشترین انگیزه‌های جعل حدیث، انگیزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرقه‌ای بوده است، لذا چندان انگیزه‌ای برای جعل روایات باطنی و تأویلی باقی نمی‌ماند. مضاف بر اینکه در میان آثار حدیثی فریقین، گزارشی از عرضه این دسته از روایات بر قرآن کریم وجود ندارد که بتوان مرتبط با این پژوهش به ضوابط و چگونگی آن پرداخته شود. علاوه بر اینکه معیار عرضه، معیاری برای عموم مردم است لذا طبیعتاً عرضه چنین روایاتی بر قرآن کریم و کسب موافقت یا مخالفت قرآن با آن، از عهده همگان خارج است.

۱-۴. مدلول قرآن در عرضه روایات تفسیری بر قرآن کریم

از بررسی و تحلیل متن روایات عرض و نمونه‌های عرضه توسط معصومین‌علیهم‌السلام در مورد مراد از مدلول قرآن این نتایج حاصل آمد:

۱. در بین ۴۰ نمونه روایتِ عرضه‌شده توسط معصومین‌علیهم‌السلام که طیِّ این تحقیق احصا شده، مدلول قرآن در ۱۲ نمونه، نص صریح قرآن گرفته شده است.[2] برخی

۱. مرادی، محمد. «امکان‌سنجی عرضه روایات تأویلی باطنی بر قرآن». علوم حدیث ۷۷ (۱۳۹٤) ۲۸ – ۵۸.

۲. برای مشاهده نمونه‌های بیشتر عرضه روایات بر قرآن توسط ائمه بنگرید به فصل سوم پایان‌نامه دکتری با عنوان: «روش‌شناسی و ضوابط کاربست فرایند عرضه حدیث بر پایه سیره معصومین‌علیهم‌السلام»

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.2.3]

از این مستندات عبارتند از:

الف. در روایتی با مضمون «جواز مسح بر خفین» نقل شده: هَمّامٍ قَالَ: بَالَ جَرِيرٌ. ثُمَّ تَوَضّأَ، وَمَسَحَ عَلَى خُفّيْهِ. فَقِيلَ: تَفْعَلُ هَذَا؟ فَقَالَ: نَعَمْ، رَأَيْتُ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و سلم بَالَ، ثُمّ تَوَضّأَ ومَسَحَ عَلَى خُفّيْهِ. (مسلم، ج ۱، ص۱۵۶؛ و با اندکی تغییر ر.ک: بخاری، ۱۴۰۱: ج۱، ص ۱۰۲)

اما امام علی علیه‌السلام این حدیث را به دلیل مخالفت با نصّ آیه «... وَ امْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» (المائده/ ۶) کنار گذاشت. و صدور آن را مربوط به قبل از نزول سوره مائده دانسته‌اند. (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۳۰۱ ـ ۳۰۲) مخالفت قرآن با این روایت، از نوع مخالفت صریح با نص قرآن است. چرا که قرآن گفته بر روی پاهای خود تا قسمت برآمدگی مسح کنید و اشاره‌ای به جواز مسح بر پوشش پا نشده است.

ب. در حدیثی نقل شده که تنها نجات یافتهٔ عذاب، خلیفه دوم مسلمین است. «و قال النبی: لو نزل عذاب من السماء ما نجا منا احد الا عمر بن الخطاب» (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ج ۲، ص ۳۰) اما وقتی این روایت بر امام جواد علیه‌السلام عرضه می‌شود، حضرت صحت آن را به دلیل مخالفت با نص آیه «وَ ما كانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ وَ ما كانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (الأنفال/ ۳۳)؛ ولی تا تو در میان آنان هستی، خدا بر آن نیست که ایشان را عذاب کند، و تا آنان طلب آمرزش می‌کنند، خدا عذاب کننده ایشان نخواهد بود.» ردّ و آن را از امور محال می‌داند. (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۴۴۹)

ج. روایتی در برخی منابع فریقین آمده که پدر حضرت ابراهیم، آزر است که قرآن او را مشرک می‌نامد. در حالی که به تصریح متن قرآن کریم، آزر مشرک که در قرآن ذکر شده، پدر حقیقی حضرت ابراهیم نبوده و روایاتی که خلاف این را نقل می‌کنند مردود و نپذیرفتنی‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۷: ۲۰۸-۲۰۹)

د. در برخی روایات نقل شده که ذبیح، حضرت اسحاق بوده است. (طبری، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص ۸۱ ـ۸۶) این روایات به دلیل مخالفت آشکار با قرآن کریم، مطرود است. از

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.2.3]

کتاب فقیه (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج۲، ص ۲۳۰) نقل شده که شخصی از امام صادق علیه‌السلام در مورد ذبیح پرسید: چه کسی بوده؟ فرمود: اسماعیل بوده، برای اینکه: خدای تعالی داستان تولد اسحاق را در کتاب مجیدش بعد از داستان ذبح نقل کرده و فرموده: «وَ بَشَّرْناهُ بِإِسْحاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ» (الصافات: ۱۱۲)

ه. در کتاب کافی (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۵۱۱) روایتی نقل شده که زنی خدمت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید و در مورد حق شوهر بر خود سؤال نموده و پیامبر شماری از حقوق شوهر به زن را بیان نمود. وقتی زن از حق خویشتن بر شوهر سؤال کرد که آیا من نیز چنین حقی را دارم، پیامبر جواب داده: نه هرگز. این روایت به دلیل تعارض آشکار با نص آیه «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» (البقرة: ۲۲۸) نپذیرفتنی است.

۲. در تعدادی دیگر از نمونه‌های عرضه شده روایات بر قرآن توسط معصومین علیهم‌السلام، مدلول قرآن، یک یا چند اصل قرآنی گرفته شده است. مراد از اصل قرآنی، گزاره‌ها و مؤلفه‌های ثابت و پذیرفته شده قرآنی است که یک یا چند آیه قرآن به آن صراحت دارد. تفاوت آن با روح کلی یا حاکم قرآن، ذوقی و سلیقه‌ای نبودن آن و مشکل نبودن فرایند کشف آن است. به عنوان نمونه اصولی مانند «احترام به والدین واجب است»، «روز قیامت همه انسان‌ها مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرند»، «بار گناه هر کس بر دوش خودش است»، «در دین حرجی نیست» و «خداوند از رگ گردن به بندگان نزدیکتر است» از جمله اصول ثابت و پذیرفته شده قرآنی است که حداقل یک یا چند آیه قرآن به آنها اشاره نموده است.

برخی از مستندات روایی مرتبط عبارتند از:

الف. در روایتی آمده زمانی که أبوبکر نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بودند، جبرئیل از طرف خداوند پیامی آورد که به أبوبکر بگو خداوند سلام می‌رساند و می‌گوید که از

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.2.3]

أبوبکر راضی‌ام بپرس که آیا أبوبکر هم از من راضی است؟. (ابن کثیر، ۱۴۱۲: ج ۴، ص ۳۲۹) وقتی این روایت بر امام جواد علیه‌السلام عرضه می‌شود، حضرت بیان می‌دارند که این خبر موافق کتاب خدا نیست. خداوند می‌فرمایند: «وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ وَ نَعْلَمُ ما تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق/ ۱۶) آیا رضایت أبوبکر از خداوند بر او پنهان بوده تا اینکه از او سؤال کند؟ این مطلب در عقل‌ها نمی‌گنجد. (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۲۴۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۰، ص ۸۰)

امام جواد علیه‌السلام برای اثبات مخالفت قرآن با روایت به اصل قرآنی «خداوند از رگ گردن به بندگان نزدیکتر است» استناد می‌کند. این اصل آشکارا بیان می‌کند که خداوند بر همه چیز داناست و چیزی بر او پوشیده نیست.

ب. نمونه دیگر که معصوم، سؤالی را از طریق عرضه بر اصل قرآنی پاسخ داده‌اند روایتی است که عبدالاعلی از امام صادق علیه‌السلام می‌پرسد: «ناخن انگشتم شکسته و پارچه‌ای روی آن قرار داده‌ام، برای وضو چه کنم؟» امام فرمود: این مسأله و امثال آن از کتاب خدا فهمیده می‌شود: «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فی الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (الحج/ ۷۸)، إمسَحْ علیه؛ بر روی پارچه مسح کن. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۳، ص ۳۳) «در دین حرجی نیست»

نمونه روایات تفسیری عرضه شده بر اصول قرآنی

الف. در برخی منابع روایی (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۵۲۵؛ جزایری، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۳۵۷)، روایاتی مبنی بر تحریف زیاده یا نقصان در قرآن کریم وجود دارد. در حالی که این روایات، مخالفت آشکار با اصول قرآنی دارند. برخی از این اصول ثابت و پذیرفته شده قرآنی عبارتند از:

قرآن را خداوند نازل نموده و از آن محافظت می‌کند. «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحافِظُونَ» (الحجر: ۹) یا اصل دیگری که می‌فرماید: قرآن کتاب خلل‌ناپذیری است که امکان ورود باطل در آن وجود ندارد. «وَ إِنَّهُ لَكِتابٌ عَزِيزٌ لايَأْتِيهِ الْباطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لا

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.2.3]

مِنْ خَلْفِهِ» (فصلت: ۴۱-۴۲)

ب. در روایتی پیرامون ماجرای معراج پیامبرﷺ نقل شده که رسول الله به درخواست حضرت موسی، از خداوند درخواست تخفیف در تعداد رکعات نماز را طلب می‌کند. (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱،۷۸۵، ح ۳۷۳؛ ج ۳، ۱۱۲-۱۱۳، ح ۱۹-۲۰؛ ج ۴،۹۵، ح ۳۹؛ ج ۵، ۱۱۴، ح ۳۹)[۱]

این روایت به دلیل مخالفت با اصول مسلم قرآنی، مطروح و نپذیرفتنی است. مهمترین این اصول عبارتند از: هر کسی به اندازه توانش مکلف می‌شود. «لا یُکَلِّفُ اللَّهُ نَفسًا إِلّا وُسعَها...» (البقره: ۲۸۶) «یُرِیدُ اللَّهُ بِکُمْ الْیُسْرَ وَلَا یُرِیدُ بِکُمْ الْعُسْرَ ...» (البقره: ۱۸۵) «وَ ما جَعَلَ عَلَیْکُمْ فِی الدِّینِ مِنْ حَرَجٍ» (الحج: ۷۸)

علم خداوند، محدود به حد معینی نیست و خداوند به توانایی بندگانش عالم است. «انَّ اللَّهَ لَا یَخْفَی عَلَیْهِ شَیْءٌ فِی الْأَرْضِ وَلَا فِی السَّمَاءِ» (آل عمران: ۵) «إِنَّ اللّهَ عَلِیمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ» (البقره: ۲۹)

۳. ظاهر قرآن نیز در نمونه‌های عرضه توسط ائمهعلیهم‌السلام، در مواردی به عنوان مدلول قرآن گرفته است. نمونه آن روایتی است که بر امام صادقعلیه‌السلام در مورد مدت ساخت کشتی نوحعلیه‌السلام عرضه شده است.

در موضوع «مدت ساخت کشتی نوح» روایاتی این مدت را ۲۰۰ سال، ۴۰۰ سال، ۵۰۰ سال و غیره عنوان کرده‌اند. (سیوطی، بی‌تا: ج ۳، ص ۳۲۸) وقتی این روایت بر امام صادقعلیه‌السلام عرضه می‌شود، حضرت مدت آن را ۸۰ سال بیان کردند و اشاره به قسمتی از آیه‌ای از قرآن کریم می‌کنند که می‌فرماید: «فَأَوْحَیْنَا إِلَیْهِ أَنِ اصْنَعِ الْفُلْکَ بِأَعْیُنِنَا وَ وَحْیِنَا (المومنون/ ۲۷)؛ پس به او وحی کردیم که زیر نظر ما و وحی ما کشتی را بساز» (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۸، ص ۲۸۰ و ۲۸۱) حضرت برای اثبات مخالفت قرآن با مدت طولانی

۱. این روایات را حویزی از منابعی چون توحید، من لا یحضره الفقیه و تفسیر قمی نقل می‌کند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.2.3]

ساخت کشتی نوح، به آیه‌ای از قرآن کریم استناد می‌کنند که بیان می‌کند که کشتی را به وحی ما یعنی به دستور خداوند بساز. در حقیقت این آیه به صورت صریح به بیان مدت ساخت کشتی نمی‌پردازد، بلکه طبق دیدگاه بسیاری از مفسرین، در مقام تبیین این است که پس از اینکه حضرت نوح علیه‌السلام درخواست نصرت و یاری می‌کند، در این آیه خداوند می‌فرماید چون درخواست نصرت کرد پس به او وحی کردیم. معنای کشتی ساختن در برابر دیدگان خدا این است که کشتی ساختنش تحت مراقبت و محافظت خدای تعالی باشد. و معنای «کشتی ساختن به وحی خدا» ساختن کشتی تحت تعلیم و دستورات غیبی خداوند است. (برگرفته از: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۲۹) به عبارتی آیه مورد اشاره نه نصّ صریح و آشکاری برای بیان مدت ساخت کشتی در خود دارد و نه اصل ثابت قرآنی است، بلکه ظاهر آیه قرآن کریم است که حکایت از کوتاهتر بودن مدت زمان ساختن کشتی دارد.

نمونه روایات تفسیری عرضه شده بر ظاهر قرآن

الف. در برخی منابع حدیثی، روایتی نقل شده که مراد از مسجدی که قرآن بنای آن را بر اساس تقوی می‌داند، مسجد النبی است. (ابن حنبل، ج ۵، ص ۱۱۶؛ طبری، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص۴۸۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ۳: ص ۲۷۷)، در حالی که این روایت مخالف با ظاهر قرآن و جمله «فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا ...» (التوبة، ۱۰۸) است. زیرا این آیه در مقام مقایسه بین مسجد قبا و ضرار و اهالی آن دو است و ارتباطی با مسجد النبی ندارد.

ب. در درّالمنثور نقل شده که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: بنی اسرائیل رسم داشتند که فردی از ایشان را که دارای خادم و مرکب و همسر می‌شد، ملک می‌نامیدند و منظور از «ملك» در آیه «وَ جَعَلَكُمْ مُلُوكاً» (المائدة، ۲۰) همسر، مسکن و خادم است. (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ۲:۲۶۹-۲۷۰) ولی این روایت با ظاهر عبارت و آیات دیگر (سیاق) در تنافی است. چرا که در قرآن آمده که موسی وقتی قوم خود را به نعمت‌ها یادآور شد،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.2.3]

ابتدا به نعمت ارسال پیامبران متذکر شد و در ادامه فرمود که ما به شما بخشیدیم آنچه را که به هیچ یک از جهانیان ندادیم. «وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ.» بنا بر این سیاق، «ملوک» نباید خادم و مرکب و همسر باشد. زیرا این نعمت‌ها، چیزی نیستند که خداوند به دیگران نبخشیده باشد.

ه. در برخی از روایات تفسیری (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۱۸، ص ۶۹)، ماجرای افک مربوط به تهمت عایشه به یکی از همسران پیامبر (ام مارية) قلمداد شده است. در حالی‌که این روایت در تعارض با ظاهر آیه‌ای از قرآن است که داستان افک را بیان می‌کند. در این آیه، داستان افک یک ماجرای خانوادگی نبوده، بلکه سخن دروغ و شایعه‌ای بوده که جمعی از مردم آن را به دلیل دشمنی با پیامبر مطرح کردند. «إِنَّ الَّذِينَ جاؤُ بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ» (النور: ۱۱) در قرآن بیان شده که گروهی این تهمت را بر علیه پیامبر مطرح کردند.

۴. مدلول قرآن در برخی از نمونه‌های عرضه، به تعبیری «گفتمان قرآن» در نظر گرفته شده است. منظور از گفتمان قرآن مجموعه‌ای از آموزه‌های نهادینه شده قرآن در موضوعات مختلف است که شاید به صورت جداگانه مفهوم مدنظر را نتوان از آنها برداشت نمود، ولی در کنار یکدیگر مفهوم خاصی را به خواننده منتقل می‌کند. برای نمونه اگر احادیثی از کیفیت نماز و بعضی از احکام آن سخن می‌گوید، این روایات در مسیر آماده‌سازی برای نماز و قیام مردم به سمت آن، هماهنگ با گفتمان قرآنند. به عبارتی این روایات در همراهی، هماهنگی و انسجام مضمونی عرفی با قرآن قرار دارند.

فرق اصول قرآن با گفتمان قرآن در این است که اصول قرآن، اصول ثابت و پذیرفته شده قرآنی است که ممکن است در فهم یا نقد هر سخن، اندیشه یا کردار دیگری نیز به کار برده شود. ولی گفتمان قرآن، مجموعه گزاره‌ها و آموزه‌های

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.2.3]

نهادینه شده‌ای است که وقتی کنار هم قرار می‌گیرند، اندیشه یا آموزه خاصی را القا می‌کنند که الزاماً به صورت جداگانه ممکن است آن معنا متداعی نشود. مثل موضوع تحریف‌ناپذیری قرآن که از مجموعه گزاره‌هایی از قرآن کریم برداشت می‌شود.

از نمونه روایات عرضه‌شده بر گفتمان قرآن توسط معصومین علیهم‌السلام، آن است که هارون از امام موسی بن جعفر علیه‌السلام می‌پرسد که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: هنگامی که اصحابم از نجوم سخن گفتند چیزی نگویید. در حالی که امیر المؤمنین علیه‌السلام داناترین به علوم نجوم بودند و فرزندان و نوادگان او که آنها را شیعه می‌خوانی، آشنای به این علم هستند.

امام علیه‌السلام در پاسخ می‌فرمایند: خداوند علم نجوم را ستوده است. اگر علم نجوم صحّت نداشت خداوند ستاره‌ها را نمی‌ستود. پیامبران علیهم‌السلام نجوم می‌دانستند. خداوند درباره ابراهیم علیه‌السلام فرمود: «و این چنین ملکوت آسمان‌ها و زمین را به ابراهیم نمایاندیم، تا از یقین کنندگان باشد.» «وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (الأنعام/ ۷۵) و در جایی دیگر می‌فرماید: «پس نگاهی به ستارگان افکند و گفت: من ناخوش‌م» «فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ» (الصافات/۸۸ و ۸۹) اگر ایشان به علم نجوم عالم نبودند به ستارگان نگاه نمی‌کرد و نمی‌گفت: «من ناخوش‌م». همچنین ادریس علیه‌السلام آگاه‌ترین زمانه‌اش به نجوم بود. خداوند به جایگاه ستارگان قسم خورده «و این قسم، اگر می‌دانستید، قسمی بزرگ است.» «وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ» (الواقعه/ ۷۶) و ... (ابن طاووس، ۱۳۶۸: ص ۱۰۸ و ۱۰۹)

امام، مخالفت قرآن با روایت را مستند به این گفتمان قرآنی می‌کند که می‌رساند برخی از پیامبران علیهم‌السلام علم نجوم را می‌دانستند. نیز در آیاتی از قرآن به ستارگان سوگند یاد شده و اساساً در گفتمان قرآن، علم به ستارگان و آشنایی با نجوم نه تنها

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.2.3]

نکوهش نشده بلکه قرآن اشاره ضمنی به تحسین آن دارد.

در این نمونه‌ها، مدلول قرآن در فرایند عرضه حدیث، فقط نص قرآن یا ظاهر یا روح قرآن، در نظر گرفته نشده بلکه مدلول قرآن در اندیشه معصوم، مجموعه‌ای مرکب از نص، ظاهر قرآن، اصول قرآنی و گفتمان قرآنی است.

نمونه روایات تفسیری عرضه شده بر گفتمان قرآنی

در شأن نزول آیات «عَبَسَ وَتَوَلَّى - أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى» (عبس: ۱-۲) روایتی نقل شده که زمانی که پیامبرﷺ برای سران قریش صحبت می‌کرد، عبدالله بن ام مکتوم بر ایشان وارد شد و با صدای بلند از پیامبر خواست که آنچه را خدا به او آموخته برای وی بخواند. لذا پیامبر ناراحت شده و از او روی‌گردان شد. بعد از این ماجرا آیات ابتدایی سوره عبس نازل شد. (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵،۵۰۹، ح ۴)

این شأن نزول به دلیل مخالفت با گفتمان غالب قرآن، مبنی بر اخلاق والای پیامبرﷺ و دلسوزی و مهربانی ایشان با مردم قابل پذیرش نیست. آیاتی که حضرت را با خلق عظیم معرفی نموده است. در سوره قلم که اندکی پیش از نزول سوره عبس نازل شده پیامبر به خلق عظیم توصیف شده است. آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، توبه: ۱۲۸، احزاب: ۲۱ و انبیاء: ۱۰۷ نیز بر خُلق عظیم پیامبر تأکید می‌کنند.

۲. نتیجه‌گیری

مهمترین نتایج بررسی و تحلیل مبانی عرضه حدیث بر قرآن کریم با محوریت عرضه روایات تفسیری از این قرار است:

۱. ضرورت تبیین معیار عرضه حدیث بر پایه نگاه حدیثی و سیره معصومین علیهم‌السلام و پرهیز از محوریت دیدگاه‌های شخصی و مبانی سایر علوم در نتیجه‌گیری از مراد از عرضه و چگونگی آن. چه اینکه بسیاری از اختلاف نظرها در مورد عرضه حدیث اعم از شمولیت عرضه، مدلول قرآن و مراد از موافقت و مخالفت با قرآن، ناشی از

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.2.3]

عدم محوریت نگاه حدیثی در بررسی موضوع است. لذا مشاهده می‌شود که نظرات پراکنده و بعضاً پیچیده‌ای ارائه می‌شود که چندان تطابقی با سیره معصومین در عرضه روایات ندارد.

۲. عرضه حدیث در سیره ائمه علیهم‌السلام، معیاری عمومی و برای همه مردم معرفی شده است. همانگونه که در نمونه‌های عرضه توسط ائمه علیهم‌السلام نیز، ایشان موافقت یا مخالفت قرآن با روایات را بسیار ساده و قابل فهم برای همگان تبیین نموده‌اند. ولی آنچه در طول تاریخ نقد حدیث رخ داده، پیچیده نمودن این اصل بر پایه دیدگاه‌های شخصی یا مبانی و اصطلاحات سایر علوم است. مسئله‌ای که باعث شده در عمل به دلیل پیچیدگی‌هایی که در فهم آن و چگونگی کاربرد آن عارض شده، چندان مورد استقبال عموم مردم و حتی محققان قرار نگیرد.

۳. ضرورت عرضه روایات تفسیری بر قرآن، منافاتی با کارکرد این روایات در تبیین مراد آیات یا کمک در فهم صحیح قرآن ندارد. به عبارتی پیش‌شرط استفاده از این روایات برای تفسیر، اطمینان از صحت آنهاست و مادامی که اطمینان به صدور روایات وجود دارد، لزومی بر عرضه آنها بر قرآن کریم وجود ندارد و معیار عرضه، معیاری است برای عرضه روایات شک‌برانگیز و شبهه‌ناک و ضرورتی بر عرضه همه روایات نیست.

۴. منافاتی در اینکه روایتی در تبیین قرآن کریم وارد شده با اینکه بتوان صحت آن را از قرآن به دست آورد، وجود ندارد. چه اینکه می‌توان صحت بسیاری از این روایات تفسیریِ ذکر مصادیق را با عرضه بر ظاهر یا اصول یا گفتمان قرآنی و یا به تعبیر برخی از علما، روح حاکم قرآن به دست آورد.

۵. از آنجا که در متن روایات عرض، تصریح شده که ممکن است موضوع روایتی در قرآن موجود نباشد. «فان لم‌تجدوهما فی کتاب‌الله» لذا ممکن است امکان عرضه برخی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.2.3]

از روایات تفسیری هم بر قرآن وجود نداشته باشد که در این صورت توصیه معصوم علیه‌السلام، عرضه به سنت یا توقف و سکوت در پذیرش روایت است. لذا ممکن است تعدادی از روایات تفسیری به دلیل موجود نبودن موضوع آن یا یافت نشدن آن، عملاً زمینه‌ای نیز برای عرضه آنها بر قرآن کریم وجود نداشته باشد.

۶. علی‌رغم اطلاق روایات عرض بر عرضه همه روایات بر قرآن، عرضه روایت به دلایلی چون تقلیل جایگاه استقلالی سنت و اینکه در سنت چنین فرهنگی رواج نداشته که به محض نقل هر روایتی، آن را بر قرآن عرضه کنند، شامل همه روایات نمی‌شود.

۷. بر اساس شواهد و گزارش‌های روایی، ائمه علیهم‌السلام مدلول قرآن را در عرضه، معنای واحد نگرفته و ترکیبی از نص صریح، ظاهر و اصول قرآنی در نظر گرفته‌اند. در مواردی مدلول قرآن، متن و لایه‌های رویین قرآن (نص صریح، ظاهر و ...) اخذ شده و در مواقعی نیز با اتخاذ رویکرد اجتهادی استنطاقی، مضمون یا مسأله روایت بر اصل یا اصول قرآنی عرضه شده‌اند.

منابع

قرآن مجید؛ ترجمه محمدمهدی فولادوند، تهران: ارالقرآن‌الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ سوم، دی ماه ۱۳۷۶.

۱. ابن‌حنبل، احمد، ***مسند الإمام أحمد بن‌حنبل***، بیروت، دارصادر، [بی‌تا].

۲. ابن‌کثیر، اسماعیل، ***تفسیر ابن‌کثیر***، التقدیم: یوسف عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دارالمعرفة للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۲ق.

۳. ابن طاووس، علی بن موسی. ***فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم***. قم: دار الذخائر، ۱۳۶۸ هـ ق.

۴. احمدی نورآبادی، مهدی؛ ***عرضه حدیث بر قرآن***؛ قم، سازمان چاپ و نشر مؤسسه دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۹۳ش.

۵. بخاری، محمد بن‌أسماعیل؛ ***صحیح البخاری***؛ بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۱ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.2.3]

۶. جمالی گندمانی، احمد؛ ***روش‌شناسی و ضوابط کاربست عرضه حدیث بر قرآن بر پایه سیره معصومین***علیهم‌السلام، پایان‌نامه مقطع دکتری، دانشگاه قرآن و حدیث قم، ۱۳۹۷ ش.

۷. حر عاملی، محمد بن‌الحسن؛ ***تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة***؛ تحقیق: مؤسسه آل‌بیت لإحیا التراث، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل‌بیت، ۱۴۱۴ق.

۸. خویی، سیدأبوالقاسم، ***التنقیح فی شرح العروه الوثقی***. علی غروی تبریزی، تقریر درس آیت الله خویی، قم: ۱۴۱۸ هـ ق.

۹. سیوطی، جلال‌الدین، ***الدرالمنثور فی تفسیر القرآن بالماثور***؛ بیروت، دارالمعرفة للطباعة و النشر، ۱۴۰۴ق.

۱۰. صدر، سیدمحمدباقر؛ ***مباحث الحجج والاصول العملیه***؛ به کوشش سیدمحمود هاشمی، بی‌جا، مرکز الغدیر، ۱۴۱۷ق.

۱۱. صدوق، محمد بن‌علی؛ ***عیون أخبارالرضا***، تحقیق: حسین أعلمی، چاپ اول، بیروت: مؤسسةالأعلمي للمطبوعات، ۱۴۰۴ق.

۱۲. طباطبایی، سیّدمحمدحسین؛ ***المیزان فی تفسیر القرآن***؛ دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.

۱۳. طبرسی، أحمد بن‌علی؛ ***الاحتجاج***؛ تعلیق: سیدمحمدباقر خرسان، نجف، دارالنعمان للطباعة و النشر، ۱۳۸۶ق.

۱۴. طبری، محمد بن جریر. ***جامع البیان عن تأویل آی القرآن*** (تفسیر طبری). تحقیق: صدقی جمیل العطار. بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۲ هـ ق.

۱۵. طوسی، محمد بن‌حسن؛ ***اختیار معرفة الرجال***؛ تحقیق: سیدمهدی رجائی، قم، مؤسسة آل‌بیت لإحیاء التراث، ۱۴۰۴ق.

۱۶. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه. ***تفسیر نور الثقلین***. تصحیح: هاشم رسولی، ناشر: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.

۱۷. عیاشی، محمد بن مسعود؛ ***کتاب التفسیر***؛ به کوشش سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبةالعلمیة الإسلامیة، ۱۳۸۰ق.

۱۸. علم الهدی، سید مرتضی، ***رسائل الشریف المرتضی***. قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۰۵ هـ ق.

۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ ***الکافی***؛ به کوشش علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۳ش.

۲۰. مجلسی، محمدباقر، ***بحارالأنوار***، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.

۲۱. مسعودی، عبدالهادی، ***وضع و نقد حدیث***، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶ش.

۲۲. ـــــــــ؛ ***عرضه حدیث بر امامان (۱)***، مجله علوم حدیث، سال ششم، ۱۳۷۶ش.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.2.3]

۲۳. مغربی تمیمی، نعمان بن‌محمد؛ ***دعائم الاسلام***؛ تحقیق: آصف بن علی اصغر فیضی، القاهرة، دارالمعارف، ۱۳۸۳ق.
۲۴. مقاتل بن سلیمان، ***تفسیر مقاتل بن سلیمان***، عبدالله محمود شحاته، دار احیاء التراث، بیروت، ۱۴۲۳ق.
۲۵. مفید، محمدبن‌محمد بن‌نعمان؛ ***الفصول المختارة***، تحقیق علی میرشفیعی، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۲۶. مهریزی، مهدی، ***روایات تفسیری شیعه، گونه***شناسی ***و حجیت***، مجله علوم حدیث، سال پانزدهم، شماره اول، ۱۳۸۹ ش.
۲۷. هاشمی، سیّدعلی‌مطر؛ ***اثبات صدور الحدیث بین منهجی نقد السند و نقد المتن***؛ قم: ستاره، ۱۴۳۰ق.
۲۸.ـــــــــ؛ ***بحوث فی نقد روایة الحدیث***، ستاره، قم، اول، ۱۴۲۹ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.2.3]